

نسخه عقیم عبور از بحران بقا جمهوری اسلامی



ایرج فرزاد

لابد استعارات و تمثیلات عرفانی و شعری، به طیفهای غیر حکومتی و در دوائر "اپوزیسیون" طرفدار رژیم فروخته شده است. و جالب این است که این متاع در این بازار همیشه بعنوان نوبر، حلوا حلوا شده است. افت و خیز و اوج و حسیض حال و روز مزاجی اولیها، منشا ذوق و شادی و برپائی جبهه و اتحاد و همایش، و یا انزوا و گوشه گیری و غم و عزا و پریشانی و تفرقه در صفوف دومیها بوده است. روزنامه های دومیها رونوشت روتوش و منبذ کاری شده **صفحه ۳**

سیاست در میان طیفهای حکومتی گرایش ملی اسلامی همواره در

ژستی چاکرمنشانه، خواب و خیالی سیاه! در حاشیه پیام تبریک مصطفی هجری به جورج بوش



حسین مراد ییگی

نه جورج بوش مصطفی هجری را می شناسد و نه پیام تبریک هجری نیز هیچوقت به "شرف عرض" بوش خواهد رسید. دبیرکل حزب دمکرات اما با ابراز چاکر منشی بی اجر و پاداش خود بدرگاه بوش خواسته است ←

کردستان ایران نیز که ظاهر در پی یافتن نقطه اشتراکی بین انتخاب جورج بوش و منافع و آینده حزب دمکرات در منطقه است، به مناسبت انتخاب مجدد جرج بوش به ریاست جمهوری آمریکا پیام تبریکی به ایشان فرستاده است. در این مورد مکث کوتاهی لازم است.

همانطور که اطلاع دارید انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به پایان رسید، در این انتخابات جورج بوش مجدداً رئیس جمهور آمریکا شد. با انتخاب بوش، عده ای سراسیمه به جورج بوش به مناسبتهای مختلف پیام های تبریک دادند. مصطفی هجری، دبیرکل جدید حزب دمکرات

۱۶ آذر نزدیک است

به دانشجویان کمونیست در دانشگاه های کردستان



بهرام مدرسی

کم کم به ۱۶ آذر نزدیک میشویم. ما به این مناسبت میتوانیم شعارها و مطالباتمان را در ابعاد بزرگتر و بیشتر طرح کنیم. همین این روز در این است که به بهانه آن امکان این را داریم که فضای سیاسی دانشگاه مان و کل جامعه و شهرستان را تحت تاثیر قرار

دهیم. تا همین جا هم این اعتراضات دانشجویی بوده اند که به کرات کل فضای سیاسی جامعه را مخاطب قرار داده و امکان ابزار وجود وسیعتر مردم را علیه رژیم اسلامی فراهم کرده اند. ۱۸ تیرها و ۱۶ آذرهای سالهای گذشته گواه امکاناتی است که اعتراض دانشجویان میتواند به نفع مبارزه مردم علیه رژیم اسلامی بوجود آورد. به همین جهت امروز بخصوص باید با چشمانی باز به استقبال ۱۶ آذر رفت. ۱۶ آذر امسال باید برای ما نقطه عطفی در تحركات تاکتونی **صفحه ۴**

نه به ز احمدزاده ، کمونیست جوان درگذشت



در صفحات ۲ و ۳

اعلام همبستگی کارگران اتحادیه های کارگری فنلاند با کارگران نساجی سندج

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از میان پیامها به مناسبت در گذشت ناهنگام نیز احمد زاده

برای "نه به ز احمد زاده!"
فواد عبداللهی

ما در راهی پر از پرتگاه دست یکدیگر را محکم گرفته به پیش می رویم. تاریخ آینده را ما می خواهیم بسازیم و در برابر ما ارتجاع با تمام توانش خودنمایی می کند. دقیقا حرمتی که برای انسان قائم ما را بسوی مبارزه علیه ارتجاع فرا خوانده است. در این راه تو را از دست دادیم. تصور اینکه دیگر در کنار ما نیستی و وجود خارجی ات را احساس نمی کنیم، يك

۵ نوامبر ۲۰۰۴

به یاد رفیق عزیز، نیز احمد زاده:

شنیدن خبر درگذشت نیز عزیز، رفیق جوانان، کمونیست مبارز، انسانی سرزنده و مبارز سخت کوش، چه تلخ و دردآور است. فقدان وجود او و باور آنکه چنین رفیقی دیگر در کنار ما و در میان ما نیست، چه دشوار و تلخ است.

این درد و رنج را به تک تک اعضای خانواده گرامی نیز عزیز، به تمام اعضای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، به سازمان جوانان حکمتیست، و همه دوستان و آشنایان نیز عزیز، تسلیت می گویم.

باد او همیشه در قلبهای ما زنده خواهد بود!

ناهید ریاضی

۵ نوامبر ۲۰۰۴

نه به ز در قلب ما جا دارد

خبر دردناک و باورنکردنی نبود بهترین دوستم در کنارم را امروز دریافت کردم. نبودنش برایم باور کردنی نیست. هر لحظه که چشمانم را میبندم لبخند شیرینش را میبینم و اشکهایم روان میشود. احساسم قابل وصف نیست فقط خاطرات شیرینی که با نه به ز داشتم من را رو پا نگه خواهد داشت. از طرف خودم و خانواده ام درگذشت این عزیز را به تمام خانواده دوستان و آشنایان نه به ز تسلیت میگویم.

لیلا، مریم، نگین، زین روشن ضمیر و حسین الهی

نیز عزیز را از دست دادیم

نیز احمدزاد رفیق و همزمزم کمونیست و عزیز مان را از دست

سعید بگانه روناک زندگی

دادیم. او بعد از یکماه در بستر بیماری و مقاومت در برابر یک بیماری مزمن نهایتا تسلیم مرگ شد و برای همیشه ما را به جا گذاشت. نیز عزیز همه ما بود او انسانی دوست داشتنی، مورد اعتماد و مبارز سخت کوش بود. مرگ نیز غم بزرگی را بر دل همه ما به جا گذاشت. ما به خانواده نیز، پدر و مادرش عمر و پروانه، بردانش زردشت، زرگار، یادگارو دوست دخترش و همه دوستان و همزمزمانش تسلیت میگویم. یادش را همیشه گرامی میداریم.

رو به سمت غرب و سوسیال دمکراسی کرد، از آنهم ظاهرا خیری ندید، اکنون رو به سمت دولت آمریکا و "نظم نوین جهانی" آن دارد، به این امید که در شرایط سناریو سیاهی که ایجاد خواهد کرد به نوبی برسد. مگر فدرالیسمی که حزب دمکرات و دیگر گروهها و سکتهای قوم پرست دنبال آنند، چیزی غیر از این است؟ حزب ما و مردم سرنگونی طلب در مقابل این تلاشهای ارتجاعی می ایستند. مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان ایران تجربه عراق را زیر نظر دارند، در کردستان عراق هم درست است که جنگ نیست، اما سرنوشت مردم آن همانقدر نامطمئن و ناپایدار و ناروشن است که سرنوشت بقیه مردم دیگر نقاط عراق. عراقییزه کردن ایران آرزویی است ارتجاعی و ضد بشری، در تقابل با مبارزه و تلاش آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران و کردستان ایران قرار دارد. مصطفی هجری و حزب دمکرات مطمئن باشند که با این خواب و خیالها راه به جایی نخواهند برد. مردم ایران به چلبی ها و علاوینها احتیاجی ندارند. ما و جنبش سرنگونی طلبی جمهوری اسلامی را بزیر می کشیم. ما راست جامعه را چه در ایران و چه در کردستان ایران زیر نظر داریم، کلیه تلاشها و تشبثات ارتجاعی و زد و بندهای علیه منافع برابری طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران و کردستان ایران افشا و به حاشیه خواهیم راند.

۹ نوامبر ۲۰۰۴

... خواب و خیالی سیاه

وضعیت عراق بدنبال حمله نظامی دولت آمریکا در دور اول ریاست جمهوری جورج بوش، عمق ارتجاع و ضد انسانی بودن این پیام تبریک مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران را بروشنی نشان میدهد. بنا به گزارش مستند روزنامه "ایندینندنت" چاپ لندن، تاکنون، یعنی حدود یکسال و نیمه که از فرمان حمله بوش به عراق گذشته است، ۱۰۰ هزار نفر ناقابل از مردم عراق کشته شده اند، آمار و ارقامی که سرعت در حال افزایش است. این را با تلفات مردم عراق در هر دوره مقایسه کنید تا متوجه شوید در آینده به چه آمار و ارقامی از تلفات مردم عراق دست خواهید یافت. از میزان امنیت مردم عراق حتی نسبت به دو ماه قبل بشدت کاسته شده است، بیکاری، گرسنگی، و عدم امنیت و آزادی مردم عراق را ذله کرده است، با حمله بوش به عراق، افسار توحش اسلام سیاسی علیه زندگی و امنیت و آزادی فردی و اجتماعی اکثریت مردم سکولار و آزادیخواه عراق بویژه زنان رها شده است، روزی نیست که مردم بی دفاع و بیگناه قربانی عملیات تروریستی اسلام سیاسی و بمب باران و توپ باران تروریسم دولتی دولت آمریکا نشوند. مردمی مستاصل و درمانده که نمی دانند کی و چه کسانی آنها را آماج حملات تروریستی خود خواهد کرد. مردمی با آینده ای تاریک و ناروشن، نمی

دانند که فردای آرامش آنها کی فراخواهد رسید؟ این در واقع ماحصل حمله دولت آمریکا به عراق است. هجری دولت علاوی - الباور، دولت اسلامی - قومی مرکب از آخوند و شیوخ و رئیس قبیله را ترتیب دارد از آلتراثیو حکومتی دولت آمریکا برای آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی، نیز پرده برداری میکند. این آن وضعیت و آن دولت دمکراتیکی است که هجری، دبیرکل جدید حزب دمکرات، در سایه ماشین نظامی دولت بوش برای مردم ایران و کردستان ایران که ظاهرا از دست جمهوری اسلامی آزاد شده اند، آروز میکند. آدم چقدر باید مرتجع باشد، که خواب و خیال چنین سناریوی سیاهی را برای مردم سرنگونی طلب ایران به بیند! چه منافع ارتجاعی باید پشت این خواست ارتجاعی خوابیده باشد، که بخاطر آن تحمیل هر سناریوی سیاهی را به مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران توجیه کند! ایران عراق نیست، این را همه از جمله جورج بوش نیز که هجری بدرگاه او سجده میکند، میدانند. جمهوری اسلامی با بحران اقتصادی و سیاسی و فرهنگی علاج ناپذیری درگیر است که خواه ناخواه باید میدان را خالی کند. بعلاوه در ایران يك جنبش سرنگونی طلبی قوی وجود دارد که علیرغم توحش حکومت اسلامی به چیزی جز سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نخواهد داد و این را مردم سرنگونی طلب در گوش جمهوری اسلامی فرو کرده اند. نسل جدید دست از سر جمهوری اسلامی

وضعیت عراق بدنبال حمله نظامی دولت آمریکا در دور اول ریاست جمهوری جورج بوش، عمق ارتجاع و ضد انسانی بودن این پیام تبریک مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران را بروشنی نشان میدهد. بنا به گزارش مستند روزنامه "ایندینندنت" چاپ لندن، تاکنون، یعنی حدود یکسال و نیمه که از فرمان حمله بوش به عراق گذشته است، ۱۰۰ هزار نفر ناقابل از مردم عراق کشته شده اند، آمار و ارقامی که سرعت در حال افزایش است. این را با تلفات مردم عراق در هر دوره مقایسه کنید تا متوجه شوید در آینده به چه آمار و ارقامی از تلفات مردم عراق دست خواهید یافت. از میزان امنیت مردم عراق حتی نسبت به دو ماه قبل بشدت کاسته شده است، بیکاری، گرسنگی، و عدم امنیت و آزادی مردم عراق را ذله کرده است، با حمله بوش به عراق، افسار توحش اسلام سیاسی علیه زندگی و امنیت و آزادی فردی و اجتماعی اکثریت مردم سکولار و آزادیخواه عراق بویژه زنان رها شده است، روزی نیست که مردم بی دفاع و بیگناه قربانی عملیات تروریستی اسلام سیاسی و بمب باران و توپ باران تروریسم دولتی دولت آمریکا نشوند. مردمی مستاصل و درمانده که نمی دانند کی و چه کسانی آنها را آماج حملات تروریستی خود خواهد کرد. مردمی با آینده ای تاریک و ناروشن، نمی

اطلاعیه کمیته سندج حزب کمونیست کارگری ایران -- حکمتیست مردم سندج و شهرهای دیگر یاد نه به ز احمد زاده را گرامی میدارند

بنا به خبر رسیده، مردم سندج و شهرهای کردستان دسته دسته به دیدار خانواده و بستگان نهبه ز عزیز میروند. تعداد زیادی از شرکت کنندگان از طریق سایتهای اینترنتی از خبر ناگوار فوت نهبه ز مطلع شده و در مراسم گرامیداشت این عزیز شرکت میکنند. این مراسم و دیدارها در روزهای آینده نیز ادامه دارد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از شرکت کنندگان در مراسم گرامیداشت یاد نه به ز عزیز، این دوست محبوب جوانان و مردم انسان پیشرو و کمونیست، صمیمانه قدردانی میکنند. ما از جوانان و

مردم مبارز سندج و دیگر شهرهای کردستان و ایران میخواهیم که در تجمعات دوستانه، با حضور بهم رساندن در میان خانواده و بستگان نهبه ز و بهر شیوه ممکن دیگر، مراسم گرامیداشت برگزار کرده و یاد نهبه ز عزیز را گرامی بدارند. عزیز و گرامی باد یاد حکمتیست جوان نهبه ز احمدزاده

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۸ آبان ۸۳ (۸ نوامبر ۲۰۰۴)
tel : 0046762258028

Email: mozafar_mohammadi@yahoo.com

صدها نفر از مردم شهرهای سقز و دیواندره از اعتصاب کارگران نساجی سندج حمایت کردند!

طی روزهای سمنه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۳ مهر ۱۳۸۳ صدها نفر از کارگران و مردم مبارز شهرهای سقز و دیواندره با امضای توماری به اخراج کارگران نساجی سندج اعتراض کردند و از خواستهای آنان پشتیبانی کردند. این تومار اعتراضی که در مدت کوتاهی جمع آوری شد به امضای تعداد زیادی از کارگران بخشهای مختلف از کارگران ساختمانی، مجمع صنعتی، خباز و بیکار شهر سقز رسید.

اقدام سریع کارگران و مردم در سقز و دیواندره در دفاع از کارگران متحصن نساجی در سندج، قابل تحسین و

امیدوار کننده است. این حرکت نشانه عمق احساس همسرنوشتی مردم، نشانه درک اهمیت اتحاد آنها در مبارز علیه جمهوری اسلامی و نشانه عمق تنفر مردم از این رژیم است.

کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست ضمن قدردانی از اقدام کارگران و مردم مبارز شهرهای سقز و دیواندره، بار دیگر کارگران و مردم را به تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرامیخواند.

کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست

۱۳ آبان ۱۳۸۳

۳ نوامبر ۲۰۰۴

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

ادرس ای میل:

khaledhaji@yahoo.com

نسخه عقیم عبور از بحران ...

اولیها و فعالیت در خارج کشور اینها انجام وکالت تسخیری و فی سبیل الله شان بوده است. در هر حال رژیم برآمده از "انقلاب اسلامی" را باید حفظ و اصلاح و مرمت کرد. این در واقع فلسفه وجودی و ایستگاه آخر بقای گرایش عقیم ملی اسلامی در جامعه ایران است. معضل عبور دادن جمهوری اسلامی از بحران لاعلاج سیاسی و اقتصادی، نقشه عمل دائمی کلیه طیفهای خودی و غیر خودی این گرایش است. مبنای حب و بغضشان، محرك نفرت و عشقشان موضع در برابر اتخاذ سیاست در این استراتژی است. از نیروهای سرنگونی طلب و بویژه کمونیستهایی که در ایران "اسلامی" داعیه تصرف قدرت سیاسی را هم دارند، نفرتشان بی تعارف است، با کینه توزی لاجوردی و فلاحیان و برداران بسیج و سپاه مونمیزند، در مقابل، هر سابقا مامور اعدام و مسئول اطلاعاتی که با دست خود هم دهها نفر را به قتل رسانده باشد، اگر به کمپ اصلاح رژیم پیوسته باشد، در آغوش گرم اینها جای دارد و در هر سفر به خارج میزبان و تدارکاتچی شان میشوند، باز هم در راه خدا و میهن و "خلق خدا"!!

شمس الواعظین از چهره های ژورنالیسم این گرایش، در باره ضرورت کاندید شدن هاشمی رفسنجانی قلم فرسایی کرده است که خود موجب دور دیگری از مناظره و جلد در مورد "رویکردهای دمکراسی" و آخر و عاقبت "وفاق ملی" در میان مشتاقان سرنوشت

روند اصلاح رژیم اسلامی شده است. نوشته است: «جامعه ایران در آستانه تحول دیگری قرار گرفته است...» و سوال میکند: "جنبش اصلاحات و دولت منتخب" در "سازو کارهای" مربوط به چگونگی انتقال قدرت، چه چشم اندازی پیش روی جنبش فراگیر دموکراتیک مردم "مسلمان ایران" ترسیم خواهد کرد؟»

این جنبش فراگیر مردم مسلمان، به نظر شمس الواعظین از مراحل رد شده است و منجمله اینکه «دولت شبه دموکراتیک و اصلاح طلب خاتمی از رحم دولت "توسعه گرای" رفسنجانی متولد شد» و نتیجه اینکه به نظر ایشان "تنها گزینه موجود" در ظرفیتهای "سازه های" سیاسی ایران، "بازگشت رفسنجانی به صحنه اجرایی کشور است"!!

اما دولت "توسعه گرای" رفسنجانی که در دوره های قبل از معرفی جامعه "مدینه النبی" خاتمی قند در دل تمامی احزاب و جریانهای خودی و غیر خودی ملی مذهبی آب کرده بود و موجب عرض اندام منحنی ترین نوع آکادمیس "اصیل و غیر وارداتی" از نوع تزه های اسلام مدرنیته و دکترین رفسنجانی شدند، خود در واقعیت با اتفاقات وحشتناکی در صحنه جامعه ایران تداوم مییابند. (جالب است که بدانید ادبیات و منقوشات این دوره حزب توده و اکثریت را خود لاک گرفته اند، مگر اینکه بتوان در لابلای خاطرات امثال کیانوری رد پائی از آن بدست آورد). کشتارهای

ملی مذهبی موضوع یک چالنج و مصاف عظیم است. این نسل چکامه فرهنگ و منبع الهام خود را مستقیما از هم نسلهای خود در جهان مدنیت غربی جستجو کرده است. منبع تغذیه فرهنگی و فکری و اندیشه های این نسل دارد به عمق شکاف و حفره فاصله عمیق اش با مشروع طبعی طیفهای ملی اسلامی، خود را بعنوان نیروئی که آینده سیاست جامعه ایران را رقم میزند، ثبت میکند. این نسل اکثریت عظیم جامعه ایران چاره ای جز این ندارد که خود را در تقابل با منحنی ترین آکادمیسیم توجیه کنندگان سلطه اسلام سیاسی، به مدنیت غرب و بیان همه جانبه آن در نقد و آلتزاتیو کمونیسم مارکس و منصور حکمت تعریف کند.

رژیم اسلامی بعنوان مهمترین مانع راه سعادت مردم ایران و بعنوان پر مخاطره ترین عامل تداوم تروریسم اسلامی و ناامنی در منطقه باید زیر کشیده شود. فقر و فلاکت بس است، مصیبت اعتیاد بس است، اختناق و حکومت خون و شمشیر اسلام بر جامعه ایران و تداوم کوره آدمکشی و قتل و جنون اسلامی در منطقه بس است. حکومت غارتگران و چپاولگران ثروت مردم ایران توسط مشتتی طفیلی اسلامی، از هر نوعش، تمامیت خواه و یا اصلاح طلب و توسعه گرا را باید پایان داد و دفتر توجیه دوائر مرتجع آکادمیسیم پیوسته گرایش ملی اسلامی را برای همیشه مهر و موم کرد و پرونده اینها را در تاریخ معاصر ایران بست. ■

هستند. این مکتب ارتجاعی گرایش ملی اسلامی، همه تلاشش را کرده است تا جامعه ایران را پس از دوره تجدد خواهی اوان جنبش مشروطه و پس از تکانه های شدید اجتماعی در برآمدهای سالهای دهه ۵۰ و تحولات سال ۵۷، بار دیگر به سنگر مشروعه طلبی و اسلام زدگی بازگشت دهند. نمونه های جدیدتر و نوع "سکولار" کل پروفیسورها و اقتصاددانان و دگر اندیشانی که با "جنبش اصلاحات" به مبلغین خودی جنبش دموکراتیک مردم "مسلمان" ارتقا مقام یافتند، نوع پلاستیکی و پسا مدرنیستی آل احمدها و علی شریعتی های گرایش ملی مذهبی اند. اینها مرتجع تراند چون منشا ابداعات و مصداق صحت "تزه" و کشفیات "فکری" شان حکومت جمهوری اسلامی و تلاش از درون برای اصلاح یک پدیده ضد انسانی و ضد مدنیت در تاریخ معاصر است.

آمیختن زبان عرفان اسلامی و استعارات ادبی شرقی با "دستاوردهای" فلسفه شکاکیت فضای آکادمیک ژورنالیسم اجبر غرب در خلال و پس از زلزله فروپاشی اردگاه کمونیسم بورژوازی برژنف از مشخصات نوع آخوندی اسلامی همان آکادمیسیم در دوره سلطه اسلام سیاسی بر جامعه ایران است.

اما واقعیت این است که نه جامعه ایران اسلامی است و نه مردم آن "مسلمان". ایران جوانترین کشور جهان و شکاف نسلی جمعیت جوان آن با همه منتالیتته و مشغله های فلسفی عرفانی نسل عقیم و میرای

تابستان ۶۷ و یکه تازی جنایتکاری چون لاجوردی، پدیده "قتلهای زنجیره ای" و میداندار شدن امثال فلاحیان و "سعید امامی" و آنچه که در زمینه اقتصاد به مافیاهای اقتصادی در فرهنگ همین طیف ملی مذهبی مشهور است، از جمله غارتگریها و تالانگریهای خانواده شخص رفسنجانی بخشی از اجزا آن دولت "توسعه گرا" بودند. چرخش قلم "اصلاح طلبانه" جناب شمس الواعظین در تعریف مردم ایران بعنوان "مردم مسلمان" یکی هم به این معنی است که چنین فجایعی بر علیه مردم بنام توسعه گرایی قالب شود. و این داستان و ره آورد ادبی فرهنگی کل این طیف است از همان زمانی که مرحومین آل احمد و علی شریعتی سرمشق نفرت از فرهنگ پیشرو جهان متمن را در غریزدگی و فاطمه فاطمه است بعنوان عکس العمل "طبیعی" امت مسلمان در دایره و فضای روشنفکری بخش اسلام زده جامعه ایران بر سر در و مانیفست هر انجمن و تشکل سیاسی و ادبی و فرهنگی حک کردند. نویسندگان مرتجعی چون دولت آبادی و "اقتصاددانی" چون رئیس دانا که هر دو در جریان کنفرانس برلین، "اهانت" به جمهوری اسلامی را از اهانت به شخص خود سنگین تر تشخیص دادند، و دستور العمل نفرت پراکنیها و پاپوش دوزیهایشان علیه کمونیستها را از روی دست "برادران" وزارت اطلاعات دولت اصلاحات کپی کردند، محصولات طبیعی و نوزادان نازنین همین مکتب و ذریه های طبیعی آیات عظام مشروعه چی

همبستگی بین المللی با کارگران نساجی سندج

از میان نامه های اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی توسط اتحادیه های کارگری فنلاند

محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

خیابان فلسطین تقاطع آذربایجان

تهران - ایران

آقای عزیز!

ما در مورد عدم پرداخت دستمزد و تهدید کارگران در نساجی سندج اطلاع یافتیم. کارگران پس از اینکه از هر اقدامی ناامید شدند، تحصن و اعتصاب غذا کرده اند.

کارگران حق دارند حقوق کامل کارشان پرداخت شود. هر گونه سرپیچی از این قانون مجازات دارد.

اتحادیه کارگری متال فنلاند از شما میخواهد که به حقوق این کارگران رسیدگی کرده تا قبل از اینکه به کارگران زیان جسمی وارد آید اعتصاب غذای آنان خاتمه یابد

ارادتمند

هیکی تیمونن

رئیس بخش بین المللی اتحادیه کارگران متال فنلاند

۳ نوامبر ۲۰۰۴

* اتحادیه کارگران متال بالغ بر ۲۰۰ هزار عضو دارد.

در نتیجه این ملاقاتها این اتحادیه ها: "مرکز همبستگی اتحادیه های کارگری فنلاند" که بیشتر از **یک میلیون** عضو را نمایندگی میکند، "اتحادیه متال" با داشتن بیشتر از **دویست هزار** عضو، "اتحادیه کارگران مواد شیمیایی" با **۲۰ هزار** عضو و اتحادیه کارگران ساختمانی با داشتن **هفتاد هزار** عضو "رسمًا با نوشتن نامه های حمایتی و اعتراضی به محمد خاتمی رئیس جمهور حکومت اسلامی، که رونوشت آن برای اسماعیل ویسی نیز فرستاده شده بود، از مبارزات و مطالبات کارگران نساجی کردستان، حمایت کردند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

کمیته فنلاند حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۸ نوامبر ۲۰۰۴

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست، کمپینی را در سطح جهانی در رابطه با جلب حمایت بین المللی از مبارزات و مطالبات کارگران نساجی کردستان در سندج، فراخوان داده بود.

در راستای پیشبرد این کمپین، **اسماعیل ویسی** دبیر تشکیلات فنلاند حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، با اتحادیه های کارگری فنلاند تماس و روز چهارشنبه ۳ نوامبر با آنها ملاقات نمود. در این ملاقاتها بطور مفصل شرایط و موقعیت کارگران در ایران و از جمله موقعیتی که کارگران نساجی کردستان در آن قرار گرفته اند، در زمینه های مختلف توضیح داده شد.

تماس با کمیته فنلاند حزب کمونیست کارگری حکمتیست

E-mail: iranps.waisi@pp.inet.fi

TEL: (358) 050 35 73 564

خود را دارد. در حالی که نمایندگان فرهنگ و سنن و سیاست ناسیونالیسم کرد در دانشگاه ها وجود دارند، نمایندگان و سخنگویان آزادی و برابری جای پای محکمی در دانشگاه ها هنوز ندارند. این باید تغییر آید. آزادی و انسانیت، برابری و مساوات بیانگر عمیقترین خواست جوان امروز هستند. مدافعان این خواستها باید در دانشگاه ها به نمایندگان انسانیت و آزادی خواهی بدل شوند. از هر امکانی برای این باید استفاده کرد. دانشگاه نه متعلق به ناسیونالیسم و ارتجاع که متعلق به آزادیخواهی و کمونیسم است.

۱۶ آذر امسال باید رنگ دیگری بخود گیرد و این را فقط ما میتوانیم تضمین کنیم.

با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست تماس بگیرید!

جلسات بحث و بررسی در رابطه با اوضاع سیاسی را در دانشگاه هایمان سازمان دهیم. در این جلسات به نقد روشن ناسیونالیسم و اسلام بپردازیم نشان دهیم که چگونه ناسیونالیسم کرد، ابزارها و روشهای همان اسلامی است؟

مدافع پر شور آزادیهای سیاسی باشیم. باید به مناسبت ۱۶ آذر کل فضای دانشگاه ها در دست ما باشند. جلساتی را به مناسبتهای مختلف فراخوان دهیم و تلاش کنیم که اهداف آزادی خواهی و برابری طلبانه مان را همه گیر کنیم. باید دانشگاه های کردستان در کنار دانشگاه تهران و شیراز و مشهد قرار گیرند و این را تنها ما میتوانیم تضمین کنیم.

به سخنگویان جنبش آزادی و برابری در دانشگاه ها بدل شویم
هر جنبش اجتماعی سخنگویان و نمایندگان

پرجمی در دست مردم خواهد بود. باید پیش از رسیدن ۱۶ آذر، دانشجویان کمونیست به سخنگویان مورد اعتماد خواستهای دانشجویان بدل شده باشند. برای این اما باید از همین امروز دست بکار شد!

فضای سیاسی دانشگاه

نقد ناسیونالیسم کرد در محیطهای دانشگاهی را وسعت بخشیم. امکانات استفاده از نشریات محلی دانشگاه ها را نباید در بسط در اختیار ناسیونالیستهای کرد قرار داد. باید تضمین کنیم که در دانشگاه ما، در نقد کل روشها، سنن، اهداف و تاریخچه ناسیونالیسم کرد جنبشی وسیع براه افتاده است.

نشریات حکمتیستها را وسیعاً در دانشگاه هایمان توزیع کنیم. نشریات کمونیست، اکبر، جوانان حکمتیست باید در اختیار وسیعترین توده دانشجویان قرار گیرند.

۱۶ آذر نزدیک است (از صفحه اول)

اعتراضات دانشجویی در کردستان باشد. ابعاد اعتراضات و تحرکات سیاسی در دانشگاه های کردستان اما علیرغم تلاشهای تک تک ما هنوز مهر شعارها و مطالبات ما را بر خود ندارد و به همین جهت بخشا عقبتر از مناطق دیگر بوده است. دانشگاه ها در کردستان بخصوص میتوانند با اتکا به کل فضای سیاسی و رادیکالی که در محل موجود است، به تریبونهای مهمی برای ابراز وجود همین رادیکالیسم و اعتراض مردم تبدیل شوند. تریبونهایی که به همت فعالین کمونیست در محیطهای تحصیلی در اختیار جامعه قرار میگیرند. دانشجوی به اعتبار موقعیتش در جامعه امکان این را داشته و دارد که رادیکالترین خواستهای مردم را اعلام کند، آنرا به

شعارهای همگانی مردم بدل سازد و همانطور که گفته شد خود تریبونی برای بیان این اهداف باشد. هدف ما بنابراین در تدارک ۱۶ آذر امسال در درجه اول بدست گرفتن فضای سیاسی دانشگاه هایمان است. باید دانشجویان کمونیست به رهبران اعتراض دانشجوی در محل خود تبدیل شوند. منظور از رهبر اعتراض دانشجوی بودن، صرفاً در صف اول تظاهرات ظاهر شدن نیست. دانشجویان کمونیست باید چه تظاهراتی به هر مناسبتی صورت بگیرد یا نه، حرف آخر را در مورد فضای سیاسی محلشان بزنند. ۱۶ آذر امسال بنابراین مستقل از اینکه در آن موفق خواهیم شد، اعتراض گسترده ای را سازمان بدهیم یا نه، باید به ۱۶ آذر ما بدل شود. باید به این مناسبت شعارهای ما ورد زبان دانشجویان و مردم محل باشند. باید روشن باشد که اگر امکان تظاهرات را پیدا کردیم، چه